


تکامل مدیریت اسلامی در بستر انقلاب اسلامی ایران

محسن منطقی / دانشیار گروه مدیریت مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

manteghi@iki.ac.ir  orcid.org/0000-0002-8989-2652

 <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>

دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۱۵ - پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۳۰

چکیده

دانش مدیریت نقش مهمی در تمدن‌سازی ایفا کرده است. این دانش به‌شدت تحت تأثیر مؤلفه‌های فرهنگی است. کشورهای که توانسته‌اند دانش مدیریت را به‌تناسب فرهنگ خود طراحی کنند و رشد دهند، بهتر توانسته‌اند به پیشرفت دست یابند. کشورهای اسلامی با داشتن پیشینه فرهنگی مستدل و قوی نیازمند طراحی مدیریت اسلامی‌اند. این مهم حلقه مفقوده‌ای بود که با ظهور انقلاب اسلامی ایران مورد توجه اندیشمندان اسلامی قرار گرفت. بعد از انقلاب اسلامی ایران و به‌کارگیری ایده اسلامی در اداره نهادهای انقلابی و اداره جنگ تحمیلی، بازتعریف مدیریت با رویکرد اسلامی نزد محققان اسلامی در ایران و کشورهای اسلامی و غیراسلامی آغاز شد. با مرور آثار تولیدشده در حوزه مدیریت اسلامی، مشاهده می‌شود که آثار فراوانی در این زمینه تولید شده است. این تحقیق که با روش تحلیلی - توصیفی انجام شده، بیانگر این نکته مهم است که همه آثار تولیدشده در زمینه مدیریت اسلامی، بعد از انقلاب اسلامی ایران و تحت تأثیر تحولات انقلاب اسلامی انجام شده و به‌برکت این انقلاب در مراحل تکامل خود قرار گرفته‌اند. خوشبختانه آثار تولیدشده در جمهوری اسلامی ایران از امتیازات فراوانی نسبت به تولیدات مدیریت اسلامی در دیگر کشورها برخوردار است.

کلیدواژه‌ها: دانش مدیریت، مدیریت اسلامی، انقلاب اسلامی ایران.

پس از کشف ماشین بخار و رشد صنایع و کارخانه‌های بزرگ، دانش مدیریت در عصر صنعتی توانست جای خود را در بین علوم بشری پیدا کند. این دانش به‌مرور زمان در کشورهای توسعه یافته فراگیر شد و به یکی از ابزارهای مهم توسعه و پیشرفت در کشورها بدل گشت. البته دغدغه مدیریت، همیشه برای کارگزاران و اندیشمندان مطرح بوده است؛ اما بعد از انقلاب صنعتی این دانش توانست به‌عنوان یک دانش مستقل در بین علوم انسانی شناخته شود. امروزه نیز این دانش به‌نحو چشمگیری توسعه یافته و در کشورهای مختلف زمینه‌ساز رشد و توسعه شده است. امروزه مدیران در سازمان‌ها کسانی هستند که طرح‌ریزی، سازمان‌دهی، هدایت و کنترل را بر عهده دارند؛ به‌گونه‌ای که می‌توانند سازمان را به هدف برسانند (واگنر و هولنیک، ۲۰۱۰، ص ۱۸). دیدگاه‌های مدیریتی حاکم بر فضای علمی و صنعتی، در صنایع کوچک کشورهای رشديافته پسا صنعتی، همچون آمریکا، فرانسه، و انگلستان در سده بیستم آغاز شد و آهسته‌آهسته به دیگر نقاط جهان راه برد و فراگیر شد (گریزی، ۱۳۸۹، ص ۱۰۷).

۱. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

دانش مدیریتی که در بستر انقلاب صنعتی بروز یافت، به طور طبیعی متأثر از فضای فلسفی و فکری آن دوران بود. این دانش، هر چند به نوبه خود خدمات شایسته‌ای برای پیشرفت جوامع انجام داد، در معرض انتقادات فراوانی از ناحیه متفکران غربی قرار گرفت؛ انتقاداتی که زمینه رشد و باروری این دانش را فراهم کرد. به‌مرور زمان، دانش مدیریت از شکل بی‌روح و خشک مکانیکی، به شکل‌های ارگانیک و پویا نزدیک شد و تحولات اساسی در هسته اصلی این دانش، یعنی نگرش به انسان، صورت گرفت. مری پارکر فالوت و چستر بارنارد از اولین طرفداران دیدگاه انسان‌گرایی به مدیریت بودند که بر اهمیت درک رفتارها، نیازها و نگرش‌های انسان در محل کار و تعامل‌های اجتماعی تأکید می‌کردند (دفت، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۷۳). این تحولات منجر به شکل‌گیری این باور شد که انسان‌ها موجوداتی اجتماعی و خودشکوفاستند و فرد تحت تأثیر عوامل محیطی ممکن است رفتارهایی از خود بروز دهد که پیش‌بینی‌شده نیست؛ و درنهایت، در این مرحله نظریه‌های روابط انسانی در دانش مدیریت شکل گرفت (رضاییان، ۱۳۹۲، ص ۵۰)؛ اما اصلاحات صورت‌گرفته، به دلیل اتکا بر مبانی فلسفی و فکری برخاسته از مبانی ماتریالیستی مسلط بر فضای حاکم در جوامع غربی، هنوز نتوانسته است تأمین‌کننده خواسته‌های حقیقی انسان باشد (گریزی، ۱۳۸۹، ص ۴۵). دورکیم تأکید داشت که سازمان‌ها، خواه در جوامع سنتی و خواه در جوامع صنعتی، متأثر از هنجارها، باورها، و ارزش‌های انسانی هستند؛ به‌گونه‌ای که نمی‌توان نظریه یا ایده‌ای مدیریتی یافت که مبتنی بر ارزش‌ها و باورهای انسانی آن جامعه نباشد (بوریل و مورگان، ۱۳۸۳، ص ۶۳).

از هنگامی که انسان کانون توجه نظریه‌های مدیریت قرار گرفت، «فرهنگ» عامل تأثیرگذار در موفقیت مدیریت و سازمان شد (رضاییان، ۱۳۹۵، ص ۴). از این‌رو اندیشمندان مدیریت توجه بیشتری به شناخت لایه‌های درونی فرهنگ معطوف کردند. اساساً بُعد اصلی پدیده سازمان‌ها «فرهنگ» شمرده شد (رایبیز، ۱۳۹۰، ص ۳۸۳). در این مرحله بود که دانش مدیریت رابطه وثیقی با دانش جامعه‌شناسی پیدا کرد. ساخت ایده‌های مدیریتی در بستر

تفکرات جامعه‌شناسی بود که سازمان را به‌عنوان یک شخصیت حقوقی پذیرفت و بر این باور بودند که سازمان اجتماعی، بهتر انسان‌ها را بر دیگر حیوانات برتری می‌بخشد و آنها را به بهره‌برداری از محیط و زندگی در سطح بالایی از کامیابی قادر می‌سازد (سوکاس و نودسن، ۱۳۹۵، ص ۲۴).

از چالش‌های مهم دانش مدیریت ساخته‌شده در غرب برای اجرا در دیگر کشورها، ناسازگاری آن با فرهنگ‌های کشورهای مختلف دنیا بود. به‌رغم ادعای جهان‌شمولی برای آموزه‌های مدیریتی (رضاییان، ۱۳۹۲، ص ۴۳)، این موضوع به‌مرور اثبات شد که مدیریت پرورش‌یافته در فرهنگ غرب نمی‌تواند کارکردهای مفیدی در دیگر جوامع به‌دست آورد (گریزری، ۱۳۸۹، ص ۳۷). از این‌رو بود که مدیریت ژاپنی، که در مقام مقایسه با مدیریت غربی قرار گرفته بود، توانست امتیازات خود را به‌خوبی به‌رخ بکشد (ساندرس و همکاران، ۲۰۱۰، ص ۵۸). مدیریت ژاپنی متناسب با شرایط فرهنگی کشورهای شرق آسیا توانست باعث موفقیت‌های چشمگیر شود و مورد توجه قرار گیرد. چالش مهم دیگر، مسائل اخلاقی در سازمان‌ها بود. در گذشته، مسائل اخلاقی برای سازمان‌ها مطرح نبود یا در معرض اهمیت قرار نداشت (اسکام و همکاران، ۲۰۰۳، ص ۲۵)؛ اما امروزه ترکیب محیط متلاطم بومی، جهانی‌شدن کسب‌وکار، و افزایش ارزیابی‌های عمومی، سازمان‌ها را متقاعد کرده است که به نظام اخلاقی و مسئولیت‌های اجتماعی در محیط کسب‌وکار خود متعهد باشند (دفت، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۲۲۱). رعایت اصول اخلاقی حاکم بر جامعه شرط ماندگاری سازمان‌ها در جامعه است. از این‌رو سازمان‌ها تدابیری را به‌منظور تشویق کارکنان به رعایت اصول اخلاقی در پیش می‌گیرند (کریتر و کینیکی، ۱۳۸۴، ص ۷۲).

کلاگ و دانکرلی (۱۹۸۱) معتقدند: مهم‌ترین جنبه آموزش مدیریت، به‌طورکلی عبارت است از نقش آن در بازتولید ایدئولوژی. این نگاه، اگر صادقانه باشد، در همه نظریه‌های مدیریت جاری است (دانکرلی و کلاگ، ۱۹۸۱، ص ۳۹۱). بنابراین هیچ‌یک از نظریه‌های سازمان، از کمند ایدئولوژی در امان نیست. اساساً همه انواع دانش، توسط فرایندهای اجتماعی و فرهنگی شکل می‌گیرند. بنابراین، نظریه‌های مدیریتی دارای بار فرهنگی‌اند.

تحقیقات میدانی دانشمندان غربی نیز به این نتیجه رسید که تقریباً هیچ‌یک از نظریه‌های اساسی مدیریت و رهبری، کاربرد نتیجه‌بخشی در کشورهای دیگر ندارند (زگورست و همکاران، ۲۰۰۴، ص ۲۷). زگورست (۲۰۰۴) معتقد است که دلیل این ناکارآمدی، تفاوت‌های بنیادی بین دیدگاه مدیریت غربی (به‌ویژه آمریکایی) و دیدگاه‌های دیگر است. در مدیریت آمریکایی به‌جای تأکید بر اعتقادات مذهبی، بر عقلانیت (به‌معنای سودآوری) تأکید می‌شود؛ چنان‌که به‌جای تأکید بر تعهد، تأکید بر اصل لذت‌جویی است (همان). نظریه امروزین مدیریت، که از سوی آمریکایی‌ها بر همه دنیا تحمیل می‌شود، تقریباً به‌طور انحصاری به سازمان‌های موجود در غرب توجه دارد و سایر فرهنگ‌ها را در نظر نمی‌گیرد (گریزری، ۱۳۸۹، ص ۱۰۷). این امر، از ناکارآمدی و عدم جهان‌شمولی دانش مدیریت و نادیده گرفتن عنصر فرهنگ حکایت می‌کند؛ به‌ویژه آنکه می‌دانیم جداسازی رسمی کلیسا و دولت از یکدیگر در جوامع غربی، که بعد از رنسانس اتفاق افتاد، اغلب به‌عنوان نقطه آغاز نظریه سکولاریسم مطرح می‌شود. این موضوع عامل مهمی برای دور کردن آموزه‌های دینی از فرهنگ و سازمان در غرب بود. این در حالی بود که جوامع شرقی اهمیت بیشتری به فرهنگ و آموزه‌های دینی می‌دادند. از این‌رو گزاره‌های مدیریتی عاری از فرهنگ

دینی، در جوامع شرقی با ناکارآمدی همراه شدند. البته موضوع بی‌توجهی به آموزه‌های دینی، در سازمان‌های غربی هم به‌مرور به یک چالش تبدیل شد؛ به‌گونه‌ای که در گزارش‌های نیم‌قرن اخیر مشاهده می‌شود که در واقع دین از دولت و کسب‌وکار جدا شد؛ اما به‌عنوان بخشی از حقیقت عینی بشریت، فرهنگ دینی در فعالیت‌های سازمان‌ها و بنگاه‌های خصوصی پابرجاست (ترسی و همکاران، ۲۰۱۴).

اوجی در اواخر دهه ۱۹۷۰م از فرهنگ به‌عنوان بدیلی مطلوب به‌جای سازوکارهای بازار و همین‌طور به‌جای سیستم‌های کنترل بوروکراتیک دفاع کرد (هچ و کاتلیف، ۱۳۹۰، ص ۳۳۶). مورگان نیز به تبیین استعاره فرهنگ سازمانی پرداخت و برای آن جایگاه مناسبی در نظریه‌های سازمان یافت. منظور وی از فرهنگ، مجموعه‌ای از ارزش‌ها، سنت‌ها، آداب و رسوم مشترک بود که الگوهای رفتاری خاصی را ایجاد می‌کند. هر سازمان دارای یک فرهنگ خاص است که هرچند از جامعه گرفته شده، خصوصیات سازمان را داراست. بنابراین برای شناخت سازمان و رفتارها و عملکرد کارکنان، باید فرهنگ سازمان را شناخت (مورگان، ۲۰۰۶، ص ۱۱۷). در استعاره فرهنگ، مدیر نماد یک سازمان است و حامل سنتی است که به‌طریق متعددی قابل تفسیر توسط اعضای سازمان است. فرهنگ‌ها واقعیتی هستند که به‌صورت اجتماعی ساخته می‌شوند. واقعیت ساخته‌شده اجتماعی اشاره به این ایده دارد که برای گروه‌ها، سازمان‌ها و جوامع، واقعیت از طریق شرایط موجود در جهان طبیعی یا فیزیکی شکل داده نمی‌شوند؛ بلکه بیشتر، از طریق توافق و معاشرت بین فردی تعریف می‌شوند (کریتنر و کینیکی، ۱۳۸۴، ص ۵۷). نظریه‌های مدیریت دربرگیرنده دامنه زیادی از ارزش‌ها هستند. اساساً بدون ارزش و فرهنگ نمی‌توان نظریه مدیریت و سازمان را درک کرد (تاسی، ۱۳۸۸، ص ۹). این‌گونه نیست که علم تنها شامل گزاره‌هایی باشد که از راه تجربه حسی به‌دست آمده و با آموزه‌های دینی متفاوت باشد. علم مدیریت و - در مرتبه بالاتر - نظام مدیریت، متأثر از اخلاق و فرهنگ است؛ یعنی مبتنی بر باورها و ارزش‌هاست و از همین‌روست که بسیاری از کشورها، با اینکه بی‌دین‌اند، به‌دلیل برخی فرهنگ‌های ملی خود، نظام مدیریتی خاص خود را دارند (مصباح یزدی، ۱۳۹۴).

۲. مدیریت اسلامی در کشورهای اسلامی

با شکل‌گیری ساختارهای جدید حکومتی و همچنین توسعه دنیای صنعتی، کم‌کم کشورهای اسلامی نیز ناگزیر از پذیرش تحولات مدیریتی بودند. پس از آنکه دانش مدیریت در کشورهای اسلامی مطرح شد، شواهد نشان می‌دهند که در ابتدا اندیشمندان آن را یک پدیده نوظهور یافتند و بدون حساسیت درباره عوارض فرهنگی آن، درصد یادگیری و به‌کارگیری آن در کشورهای خود برآمدند. مهم‌ترین شاهد بر این موضوع، حجم وسیع کتب ترجمه‌شده دانش مدیریت در کشورهای اسلامی است؛ درحالی‌که تألیفات دانشمندان مسلمان در زمینه مدیریت بومی یا مدیریت اسلامی بسیار اندک است.

در ابتدای ورود دانش مدیریت به کشورهای اسلامی، اندیشمندان مسلمان آن را بدون زیربناها و پیوسته‌های فرهنگی تصور کردند و از بومی‌سازی و اسلامی‌سازی آن غفلت نمودند. ساختار سازمان‌های دولتی و سازمان‌دهی صنعتی که در کشورهای غرب شکل گرفته بود، به‌مرور در کشورهای اسلامی جای خود را باز کرد. در گذر زمان،

این ساختارها و ایده‌های مدیریتی با چالش‌های فرهنگی مواجه شدند؛ زیرا سازمان‌ها به جایگزین کردن ارزش‌های غالب خود با ارزش‌هایی که برای انطباق با محیط متحول مناسب‌تر است، نیاز دارند (رضاییان، ۱۳۹۵، ص ۸). چنین تحولی سازمان‌ها را با چالش مواجه می‌سازد.

ناکارآمدی دانش مدیریت در کشورهای اسلامی و تقابل مبانی فکری و توصیه‌های مدیریتی با آموزه‌های اسلامی، اندیشمندان را واداشت که درصدد تأسیس دانش مدیریت اسلامی یا اصلاح و سازگاری این دانش در کشورهای اسلامی برآیند. همسازی با فرهنگ جامعه یکی از اولویت‌ها بود که دورنمایی دشوار را نشان می‌داد. در نیم‌قرن گذشته این تلاش در کشورهای مختلف اسلامی، از شرق آسیا تا غرب آفریقا و در پهنای کشورهای اسلامی صورت گرفته است.

با بررسی آثار منتشرشده در کشورهای اسلامی (بجز ایران) با موضوع مدیریت اسلامی، می‌توان اولین تلاش‌ها را در شرق آسیا شناسایی کرد. به عبارت دیگر، پیش از کشورهای عربی، این کشورهای اسلامی شرق آسیا بودند که آثاری در زمینه مدیریت اسلامی به عرصه تفکر بشر ارائه کردند. نکته ارزشمند در این موضوع این است که این آثار مربوط به اواخر دهه ۱۹۷۰م است؛ یعنی بعد از انقلاب اسلامی ایران. پس از انقلاب اسلامی ایران و کسب موفقیت به وسیله سازمان‌ها و نهادهای مبتنی بر آموزه‌های اسلامی، این جرقه در ذهن اندیشمندان کشورهای اسلامی زده شد که می‌توان سازمان‌ها را براساس آموزه‌های اسلامی ساخت. تحولات رخ داده در اداره کشور و سازمان‌دهی جنگ تحمیلی، انقلاب اسلامی ایران را در کانون توجه مطالعات سیاسی و مدیریتی قرار داد. انقلاب اسلامی ایران موضوع نظریه‌های معمول و متداول سازمانی و سیاسی را در جهان دچار چالش جدی کرد. بهترین دلیل بر این موضوع، انتشار اولین مقالات و کتاب‌های مدیریت اسلامی در این برهه زمانی است. این مقالات و کتب، عمدتاً در کشورهای اسلامی منتشر شد؛ هرچند کم‌وبیش چنین موضوعاتی در کشورهای غربی نیز مشاهده می‌شود. عنوان نمونه می‌توان به مقاله پیتیر رایت (۱۹۸۱) در این زمینه مراجعه کرد. این در حالی است که تا پیش از انقلاب اسلامی ایران، به موضوع مدیریت اسلامی پرداخته نشده و هیچ کتاب یا مقاله‌ای در این زمینه انتشار نیافته است.

بعد از انقلاب اسلامی ایران، علاوه بر کشور جمهوری اسلامی ایران که به موضوع مدیریت اسلامی پرداخت و مراکز آموزشی و پژوهشی در این زمینه در حوزه و دانشگاه تأسیس کرد، کشورهای اسلامی نیز درصدد تحقیق و مطالعه در زمینه مدیریت اسلامی برآمدند. شناسایی این موضوع در مجلات و کتب منتشرشده در شرق آسیا و در کشورهای عربی قابل توجه است. البته نکته قابل توجه در این مطالعه این است که رویکرد مطالعات مدیریت اسلامی در کشورهای اسلامی شرق آسیا با رویکرد مطالعات در کشورهای عربی نیز متفاوت است.

در شرق آسیا سیدمحمدتقیب‌العطّاس از مشهورترین اندیشمندان برنامه اسلامی‌سازی دانش و علم دینی است. وی از دهه هشتاد میلادی وارد این عرصه شد و بعدها در سال ۱۹۹۱م، «مؤسسه بین‌المللی اندیشه و تمدن اسلامی» (ISTAC)، را در کوالالمپور، پایتخت مالزی، تأسیس کرد. یکی از اهداف اساسی تأسیس آن، بسط و گسترش بحث اسلامی‌سازی دانش بود. ایده‌های عطّاس تأثیر فراوانی بر متفکران مالزیایی و اندونزیایی گذاشت.

از این رو از دهه هشتاد میلادی به بعد، می‌توان کتاب‌ها و مقالات فراوانی در حوزه علوم انسانی اسلامی و به‌طور خاص در حوزه مدیریت اسلامی در این کشورها یافت.

پژوهشگران مالزیایی تلاش ارزنده‌ای برای تلفیق آموزه‌های اسلامی با دانش مدیریت انجام داده‌اند. آنان با تألیف مقالاتی درصدد برآمدند تا مفهوم رهبری و مدیریت را در زندگی نبی گرامی اسلام ﷺ شناسایی و معرفی کنند. همچنین به‌مرور، آثار متعددی درخصوص وظایف مدیریت از نظر قرآن کریم تألیف شد. رویکرد پژوهشگران شرق آسیا به مدیریت اسلامی برخاسته از نگاه تطبیقی است.

اسلامی‌سازی دانش در نظر عطّاس به‌معنای تزئین و تهذیب علوم انسانی موجود است که به مرام‌های دنیوی و خردگرایی فلسفی و اندیشه‌های غیردینی آلوده شده‌اند. تزئین و تهذیب به این معناست که گزاره‌ها و مبانی بنیادینی که علم غرب بر آنها استوار است، بررسی شده، قسمت‌هایی که با مفاهیم اسلامی در تضادند، حذف شوند و به‌جای آنها از مفاهیم و گزاره‌های اسلامی استفاده شود (ایمان و کلاته‌ساداتی، ۱۳۹۲، ص ۱۳۵).

ایده‌های دکتر عطّاس زمینه شکل‌گیری رویکرد نوینی در تفکر اندیشمندان مالزی و اندونزی به‌وجود آورد. آنان تحت تأثیر این ایده‌ها، با نگاهی نوآورانه به علوم انسانی نگرستند. آثاری که از اندیشمندان مدیریتی شرق آسیا در دست است، بیان‌کننده این موضوع است که ایشان در بررسی مدیریت اسلامی درصدد یافتن شواهدی از مستندات دینی بوده‌اند که بتوانند علوم انسانی را براساس آن تبیین کنند؛ چنان‌که تلاش کرده‌اند آموزه‌های مدیریت اسلامی را برتر و کامل‌تر از آموزه‌های مدیریت رایج در غرب نشان دهند. از این رو با تکیه بر برخی آیات قرآنی و نقل روایاتی از نبی گرامی اسلام ﷺ و خلفای راشدین، شواهدی در حوزه مدیریت و رهبری ارائه داده‌اند. در این زمینه نمونه‌های فراوانی را می‌توان متذکر شد مانند مقالات عزتی (۱۹۸۲)، مظفر (۱۹۸۸)، مادادور (۱۹۹۹)، محمد صادق (۱۹۹۶)، /ظهرکامی (۲۰۰۵)، و موحدین (۲۰۱۲). همچنین در برخی از مقالات تلاش کرده‌اند که از آموزه‌های فقه اسلامی نیز در زمینه مدیریت بهره ببرند. چنان‌که در دانشکده‌های مدیریت اسلامی یکی از دروسی اصلی که دانشجویان مدیریت ملزم به خواندن آن هستند دروس فقه است. در این زمینه می‌توان به ویکی (۲۰۰۳) و معروف علماء (۲۰۱۵) مراجعه کرد.

با بررسی مقالات و کتب مدیریت اسلامی در این کشورها به این نتیجه خواهیم رسید که در اکثر آثار تولیدشده و در دسترس شرق آسیا در حوزه مدیریت اسلامی، رویکرد فلسفی و بنیادی از سطح نازلی برخوردار است؛ هرچند مطالعات در حوزه رونمایی قابل توجه و در حال رشد است. شاید یکی از عوامل این موضوع این است که مباحث فلسفی و بنیادی هنوز به بلوغ لازم در این کشورها نرسیده است. اگر مسیر تفکری تعیب/عطّاس ادامه می‌یافت، می‌توانست به رشد قابل قبولی در این زمینه دست یابد. متأسفانه به دلیل اختلافات سیاسی وی به انزوا کشیده شده و از هرگونه فعالیت علمی بازداشته شد. یکی از ضعف‌های اساسی مطالعات انجام‌شده در حوزه علوم انسانی در کشورهای شرق آسیا، فقدان مبانی فکری و فلسفی است؛ زیرا همان‌گونه که بیان شد، نمی‌توان آموزه‌های اسلامی را بر مبنای مؤلفه‌های فکری و بنیادی فلسفه غیراسلامی، بنا کرد. ساخت مدیریت اسلامی براساس شالوده‌های تفکر ماتریالیستی و اومانستی، نه تنها راهگشا نخواهد بود، بلکه به‌مرور زمان ماهیت رونمایی را نیز تغییر خواهد داد.

همچنین در برخی از کشورهای عربی نیز تلاش‌هایی در زمینه مدیریت اسلامی انجام شده است. بیشتر این تلاش‌ها از دهه ۱۹۸۰م صورت گرفته است. یکی از چهره‌های برجسته در جهان عرب که به موضوع علم دینی و علوم انسانی اسلامی علاقه‌مند بود، اسماعیل راجا الفاروقی (۱۹۲۱-۱۹۸۶م) است. وی که فلسطینی‌الصل و مقیم آمریکاست، از بنیان‌گذاران مؤثر «مؤسسه جهانی اندیشه اسلامی» است. فاروقی بنیانگذار «نظریه اسلامی‌سازی دانش» است و در این مؤسسه تلاش کرد که براساس ایده «تهذیب»، علم مدرن غرب را مبتنی بر مفاهیم و گزاره‌های اسلامی بازسازی کند. برخی از شاگردان وی آثاری در زمینه مدیریت اسلامی نیز تدوین کرده‌اند و تلاش دارند که به تولید منابع مدیریت اسلامی بپردازند. یکی از آثار این مؤسسه تحت عنوان مدیریت و رهبری در تشکل‌های اسلامی، به قلم دکتر هشام الطالب تدوین شده که به وسیله سیدعلی محمد رفیعی به فارسی ترجمه و در نشر قطره در سال ۱۳۸۰ در ایران منتشر شده است. بیشترین آثار در حوزه مدیریت اسلامی در جهان عرب را می‌توان در کشورهای مصر، عربستان و عراق مشاهده کرد.

با بررسی انجام شده درباره مقالات و کتب منتشرشده در کشورهای عربی، این موضوع آشکار شد که بیشتر توجه این اندیشمندان، به حوزه‌های منابع انسانی از دیدگاه اسلام منعطف است. البته در سال‌های اخیر موضوع مدیریت راهبردی و برنامه‌ریزی راهبردی نیز بسیار مورد توجه دانشمندان کشورهای عربی قرار گرفته است. درخصوص مدیریت راهبردی نیز مجلات و کتب مختلفی تولید شده که کم‌وبیش به آموزه‌های اسلامی نیز توجه کرده‌اند. آثار تولیدشده در حوزه مدیریت اسلامی توسط نویسندگان عرب، به دو زبان عربی و انگلیسی در دسترس قرار دارد. نمونه‌هایی از کتب منتشرشده اندیشمندان عرب زبان مسلمان که به زبان انگلیسی منتشر شده است را می‌توان در در آثار /بوزند (۲۰۰۶)، ملاهی (۲۰۰۶)، و برانین (۲۰۱۰) مشاهده کرد. محققان عرب‌زبان به دلیل بهره‌مندی از زبان عربی و در اختیار داشتن منابع اصیل اسلامی توانسته‌اند کارهای قابل قبولی در موضوع مدیریت اسلامی ارائه دهند. نمونه این آثار را در عربستان به وسیله /بوعر/د (۱۴۲۳ق)، در مصر ناصر المعیلی (۱۴۲۶ق)، /ابوالعینین (۲۰۰۲) در عراق، بامخرمه (۲۰۱۳) در امارات متحده عربی، و عبیدات (۲۰۰۱) در عمان می‌توان مشاهده کرد.

البته مقایسه تحقیقات انجام‌شده در شرق آسیا و در کشورهای عربی نشان می‌دهد که آثار تولیدشده در شرق آسیا از نوآوری بیشتری برخوردار بوده و توانسته‌اند به آخرین دستاوردهای دانش مدیریت بپردازند و در این زمینه تحقیقات ابتکاری نیز ارائه کنند. این در حالی است که در آثار تولیدشده در زمینه مدیریت اسلامی توسط دانشمندان کشورهای عرب‌زبان، تلاش شده است بر مدار نظریه‌ها و الگوهای ارائه‌شده، شواهدی مبتنی بر منابع اصیل اسلامی استخراج کنند و کمتر ایده‌پردازی جدید دیده می‌شود. البته در آثار مدیریتی عرب‌زبان‌ها استناد به منابع اصیل اسلامی، مانند قرآن و سنت، بیشتر یافت می‌شود. چنان‌که بیان شد، پیشینه ورود دانشمندان کشورهای عربی به حوزه مدیریت اسلامی، کمتر از دانشمندان کشورهای شرق آسیاست.

به‌رحال تلاش‌هایی که در جهت احیای آموزه‌های اسلامی در زندگی اجتماعی صورت می‌گیرد، قابل تقدیر و ارزشمند است. همهٔ این کاوش‌های علمی می‌توانند نویدبخش شکل‌گیری دانش مدیریت اسلامی در آیندهٔ نزدیک باشند. تدوین دانش مدیریت اسلامی به وسیلهٔ اندیشمندان اسلامی که در گوشه و کنار جهان به این فعالیت علمی پرداخته‌اند، گویای این است که ساخت این دانش با شالودهٔ اسلامی و متناسب با فرهنگ بومی جوامع اسلامی می‌تواند یک مدیریت اسلامی جامع را برای بشر به‌رمغان بیاورد. تولید چنین دانشی می‌تواند رقیب قابل‌توجهی برای آموزه‌های ناسازگار با فرهنگ اسلامی باشد. این مهم نیز به‌برکت انقلاب اسلامی ایران رخ داده است.

البته همان‌گونه که تحقیقات مدیریت اسلامی در کشورهای شرق آسیا و کشورهای عربی دارای کاستی‌هایی است، می‌توان این شرایط را بخشی از مراحل تکامل و رشد مدیریت اسلامی به‌برکت انقلاب اسلامی دانست؛ زیرا شکل‌گیری انقلاب اسلامی در ایران ذهنیت اندیشمندان جهان اسلام را به‌کارگیری آموزه‌های اسلامی در زندگی اجتماعی و سازمانی امیدوار ساخت؛ چنان‌که پژوهشگران غربی از اواخر قرن بیستم به این نتیجه رسیدند که نظریه‌های سازمان و نظریهٔ مدیریت، نیازمند توجه بیشتری به موضوع کارکردهای دین و توجه به مطالعهٔ بیشتر دین دارند (ترسی و همکاران، ۲۰۱۴).

۳. مدیریت بومی در جمهوری اسلامی ایران

مدیریت، همانند دیگر علوم انسانی که جنبهٔ انتزاعی و فرهنگی دارند، برای موفقیت و اثربخشی خود نیازمند سازگاری با فرهنگ زمینه است. سازگاری با فرهنگ و زیرساخت‌های فکری جامعه پستوانهٔ اصلی برای یک دانش تلقی می‌شود. این سازگاری می‌تواند مسائل یک دانش را نشان دهد و در حل آنها تشریح مساعی کند؛ از این‌رو چنین سازگاری و انسجامی بستر موفقیت یک دانش است؛ چنان‌که تأمین شرایط و امکانات سخت‌افزاری برای عملیاتی شدن دانش مدیریت نیز از جنبه‌های مهم اثربخشی است. اساساً دانش به‌خودی‌خود باری از اصالت فرهنگی جامعهٔ خود را به‌دوش می‌کشد (گریزی، ۱۳۸۹، ص ۱۰۶). آموزه‌های فرهنگی در هر جامعه، می‌تواند نقش ارزنده‌ای در باروری دانش علوم انسانی داشته باشد؛ چنان‌که دستاوردهای علوم انسانی تولیدشده در هر جامعه‌ای زمینهٔ مناسب‌تری را برای پیشرفت آن جامعه به‌وجود می‌آورد. اساساً دین نقش برجسته‌ای را در جامعه و اقتصاد بازی می‌کند؛ ولی نظریه‌پردازان سازمان و مدیریت، به‌طور اساسی آن را نادیده گرفته‌اند (ترسی و همکاران، ۲۰۱۴) و مناسب است که اندیشمندان، آموزه‌های دینی را در گزاره‌های مدیریتی به‌کار گیرند.

صدافسوس که در کشور ایران این موضوع در زمان حکومت پهلوی مورد بی‌توجهی قرار گرفته بود. دانش مدیریت از ابتدای ورودش به ایران، فارغ از شرایط بومی و فرهنگی، زمینه‌ساز ساخت سازمان‌های کشور شد. این در حالی بود که مراکز علمی نیز با ترجمهٔ آثار تولیدشده در غرب، به‌جای انجام پژوهش‌های بومی و فرهنگی، بستری برای ناکارآمدی این دانش را رقم زدند. ترجمهٔ این آثار نیز به صورت جامع صورت نگرفت؛ زیرا عمدتاً آثار دانشمندان آمریکایی و انگلیسی به ایران منتقل شده است. این در حالی است که کارفرمایان، اساتید و دانشجویان کشور، از آثار

دانشمندان آلمانی، فرانسوی، ژاپنی، چینی و... که از صنعت و نظام اداری پیشرفته برخوردارند، عموماً بی‌اطلاع‌اند (منطقی، ۱۴۰۰، ص ۲۱۵).

تا پیش از انقلاب اسلامی ایران، علمای حوزه‌های علمیه نیز به حوزه دانش مدیریت ورود پیدا نکرده بودند. اولین و تنها اثری که در زمینه مدیریت اسلامی از سوی اندیشمندان اسلامی در ایران مطرح شده، مقاله «مدیریت و رهبری» است که توسط استاد شهید مرتضی مطهری در پیش از انقلاب اسلامی تدوین شده است. ایشان در این مقاله با بررسی دو مفهوم «رشد» و «امامت» کوشیده است که معنای قابل قبولی از رهبری ارائه کند (مطهری، ۱۳۸۲، ج ۳، ص ۳۱۱). شاید یکی از مهم‌ترین دلایل فقدان نظریه‌پردازی در حوزه مدیریت اسلامی از سوی علمای حوزه، فقدان انتظار جامعه از حوزه‌های علمیه بود. به عبارت دیگر، در پیش از انقلاب اسلامی مردم انتظار نداشتند که برای اداره سازمان‌های کشور دیدگاه‌های اسلامی به کار گرفته شود؛ اما بعد از انقلاب اسلامی ایران، با شکل‌گیری نهادهای انقلابی اداره آنها بر عهده نیروی‌های مذهبی افتاد و آنان نیازمند به‌کارگیری تفکرات اسلامی در اداره نهادها بودند. از سوی دیگر با کارآمدی ارزشمند نهادهای انقلابی، موضوع تحول نظام اداری نیز در کشور مطرح شد. این تحول نیز متأثر از تفکر مذهبی و انقلابی بود که در برنامه توسعه اول جمهوری اسلامی ایران (ذیل موضوع خدمات بند ۶-۶-۶) مورد توجه قرار گرفت.

بنابراین می‌توان گفت که بعد از انقلاب اسلامی ایران و تکمیل نظام‌یافتگی بنیادهای نظام جمهوری اسلامی، توجه به بنیادها، مؤلفه‌ها، موانع و... مدیریت اسلامی بیشتر شد. انقلاب اسلامی ایران توجه اندیشمندان اسلامی را به موضوع مدیریت اسلامی دوچندان کرد. در این مرحله، نیاز به تلاش گسترده در جنبه نظری و عملی دانش مدیریت بیشتر احساس شد. از این رو تلاش‌های گسترده‌ای در جامعه مذهبی دانشگاه و حوزه‌های علمیه شکل گرفت. خوشبختانه در چهار دهه گذشته شاهدیم که اندیشمندان حوزه علمیه به‌طور نسبتاً جدی در حوزه مدیریت اسلامی وارد شده‌اند و با کمک اساتید دانشگاهی معتقد به آموزه‌های اسلامی، تلاش دارند که دانش مدیریت را متناسب با شرایط جامعه اسلامی ارائه کنند. امروزه شاهد هستیم که مجلات متعددی با عناوین مرتبط با مدیریت اسلامی منتشر می‌شوند: نشریات *مدیریت اسلامی* (دانشگاه امام حسین^(ع))، *اندیشه مدیریت راهبردی* (دانشگاه امام صادق^(ع))، *اسلام و پژوهش‌های مدیریتی* (مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی^(ع))، و *مدیریت در دانشگاه اسلامی* (نهاد رهبری در دانشگاه‌ها)، بخشی از آنها هستند. چنان‌که مجلات متعددی در رشته مدیریت، که در عنوان خود مفهوم «مدیریت اسلامی» را ذکر نکرده‌اند یا وابستگی سازمانی به نهادها و مراکز اسلامی ندارند، نیز سابقه چاپ مقالات مدیریت اسلامی را در کارنامه خود دارند. در این زمینه می‌توان به فصلنامه‌های *مدیریت دولتی* (دانشگاه تهران)، *چشم‌انداز مدیریت دولتی* (دانشگاه شهید بهشتی)، *مدیریت سرمایه اجتماعی* (پردیس فارابی) و... اشاره کرد. همچنین تعداد قابل‌توجهی از دانشجویان اقدام به تدوین پایان‌نامه و رساله با موضوعات مدیریت اسلامی می‌کنند. در حال حاضر در حوزه علمیه قم مراکز متعددی به طور رسمی به فعالیت علمی در حوزه علوم انسانی مشغول می‌باشند. از آن جمله می‌توان مراکز ذیل را نام برد: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی^(ع)، پژوهشگاه

حوزه و دانشگاه، جامعه المصطفی العالمیه، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، و... بیشتر این مراکز در دو حوزه آموزش و پژوهش فعال هستند و توانسته‌اند بخشی از مؤلفه‌های مدیریت اسلامی را به صورت پایان‌نامه و رساله و کتاب، تدوین کنند. در مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی^ع، حدود یکصد پایان‌نامه و رساله در حوزه مدیریت اسلامی تدوین شده است. کتب زیادی نیز در موضوع مدیریت اسلامی به بازار نشر عرضه شده است. با بررسی اجمالی صورت گرفته بالغ بر سیصد عنوان کتاب در حوزه مدیریت اسلامی، تاکنون منتشر شده است. حجم آثار تولیدشده در مدیریت اسلامی به‌گونه‌ای است که می‌توان براساس آمار، این موضوع را اثبات کرد که تحقیقات مدیریت اسلامی در جمهوری اسلامی ایران، به‌مراتب بیشتر از تحقیقات منتشرشده همه کشورهای اسلامی است و این مهم به‌برکت انقلاب اسلامی ایران رخ داده است.

بنابراین به‌برکت انقلاب اسلامی، توجه به ضرورت مطالعه درخصوص مبانی فکری و فرهنگی مدیریت و سازمان روزافزون شد. از این‌رو ضرورت توجه به ساختار نظام اداری جمهوری اسلامی، دلسوزان دانشگاهی و اندیشمندان حوزه‌های را واداشت که دانش مدیریت را متناسب با شرایط بومی و فرهنگی کشور تدوین کنند. این تلاش ارزشمند که اکنون چهار دهه از شکل‌گیری و رشد آن می‌گذرد، هنوز در برابر خود موانع و کاستی‌های فراوانی را می‌بیند و راه امیدبخشی در پیش‌رو دارد.

عزم و اراده جامعه اندیشمندان ایران نشان از آن دارد که در آینده‌نچندان دور، سند مدیریت اسلامی – ایرانی تدوین خواهد شد؛ چنان‌که جامعه اسلامی ایران در صحنه‌های مختلف نیز نشان داده است که می‌تواند کارهای بزرگی انجام دهد. البته این موضوع نیز واضح است که شکل‌گیری یک علم نیازمند تلاش‌های مستمر و بلندمدت جامعه علمی است و کاری ساده نیست که به‌سرعت بتوان به آن دست یافت؛ چنان‌که از یک مرکز یا گروهی خاص نمی‌توان انتظار داشت که دست به تولید یک علم بزند و آن علم نیز مورد قبول جامعه علمی قرار گیرد.

۴. زمینه‌سازی مدیریت اسلامی

طراحی مدیریت اسلامی نیازمند تلاش گسترده علمی از سوی دانشمندان است. تلاش در زمینه استنباط زیرساخت‌ها و مبانی فلسفی و فکری از منظر اسلامی در حوزه دانش مدیریت، کاری شایسته است؛ اما از آنجاکه دانش مدیریت از جمله دانش‌های کاربردی است و محصول تعامل فکر و عمل، نیازمند همکاری و مشارکت دو گروه است؛ یعنی علاوه بر تلاش اندیشمندان اسلامی برای تدوین چارچوب نظری مدیریت، کارگزاران جامعه اسلامی نیز باید در شکل‌گیری دانش مدیریت اسلامی مشارکت گسترده‌ای داشته باشند. از این‌رو منابع طراحی مدیریت اسلامی، علاوه بر کتب علمی و دینی، شامل عملکردها و خاطرات مدیران جامعه اسلامی و فرماندهان دفاع مقدس و جبهه مقاومت نیز است.

در حوزه زیرساخت علمی، به‌منظور تدوین بنیاد فکری و نظری مدیریت اسلامی، حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌ها مشارکت ارزنده‌ای دارند تا بتوانند شالوده بنیادی این دانش را تکمیل کنند. اکنون در مراکز حوزوی که در زمینه

علوم انسانی فعالیت دارند و مراکز دانشگاهی که در حوزه علوم انسانی اسلامی فعالیت دارند، تلاش‌های علمی ارزشمندی در قالب مقالات، کتب و پایان‌نامه‌ها انجام شده است که می‌تواند مبنای فکری این حرکت عظیم را فراهم سازد. این دو نهاد می‌توانند با مشارکت یکدیگر هم‌افزایی داشته باشند و زمینه پدید آمدن مدیریت اسلامی را فراهم کنند. مدیریت اسلامی نیازمند همفکری و مشارکت حوزه و دانشگاه است.

از اقدامات ارزشمندی که به‌منظور تحول در علوم انسانی به‌برکت انقلاب اسلامی ایران، در دهه گذشته انجام شده، تشکیل «کارگروه بنیادی تحول و ارتقای رشته مدیریت از منظر اسلام» است. این کارگروه که با حضور جمع کثیری از صاحب‌نظران حوزه‌های و دانشگاهی تشکیل شد، توانست با ایجاد وفاق بین صاحب‌نظران مدیریت اسلامی از سراسر کشور، به تدوین نقشه جامع مدیریت اسلامی اقدام کند. این تلاش علمی نزدیک به یک دهه به طول انجامید. محصول این کارگروه که به صورت کتاب با عنوان «نقشه جامع مدیریت اسلامی» (نجما) منتشر شده است، ناظر به طراحی نقشه جامع محتوایی مدیریت اسلامی و تبیین ساختارها و الزامات تدوین نقشه جامع (نقشه راه) است. این کتاب تاکنون شش بار مورد بازنگری قرار گرفته است. این نقشه تلاش دارد که در حوزه‌های «تدوین محتوا»، «آموزش» و «اجرا»، زمینه شکل‌گیری و رشد این دانش را فراهم کند. به‌رحال بنیادهای فکری مدیریت اسلامی روزبه‌روز در حال رشد و تکامل است. چنین کار ارزشمندی در زیر سایه انقلاب اسلامی ایران رخ داده است. از سوی دیگر در حوزه عملی دانش مدیریت، نیازمند مشارکت همه کارگزاران و مدیران در زمینه‌های مختلف و سطوح متعدد سازمان‌ها و نهادهاست. خوشبختانه در صحنه عمل، مدیران شایسته و متعهد به آرمان‌های انقلاب اسلامی در سازمان‌های اداری، صنعتی، بازرگانی و... توانسته‌اند تجارب خوبی متناسب با شرایط بومی و فرهنگی جامعه اسلامی ایران در سالیان اخیر کسب کنند. البته مستندسازی این تجارب به وسیله مدیران و اهل قلم می‌تواند سرعت ساخت مدیریت بومی را افزون کند. خوشبختانه فرماندهان دفاع مقدس و جبهه مقاومت نیز در تلاش‌اند که با تدوین علمی خاطرات خود، بستری را برای نشان دادن کارایی آموزه‌های اسلامی در صحنه عمل فراهم کنند؛ چنان‌که مدیران نهادهای انقلابی نیز با چاپ مقاله و کتاب یا برگزاری همایش‌های مختلف، به‌ویژه تحت عنوان «مدیریت جهادی»، توانسته‌اند بخشی از این مستندسازی را انجام دهند. توان حاصل از این دو نیروی علمی و عملی می‌تواند امیدبخش ساخت مدیریت اسلامی در آینده نزدیک باشد.

تفاوت بنیادین تلاش‌های علمی در ایران با تلاش‌های علمی کشورهای شرق آسیا و کشورهای عربی در حوزه مدیریت اسلامی این است که تلاش‌های علمی در ایران به‌شکل بنیادی صورت می‌گیرد. به‌عبارت‌دیگر، اولاً به بنیادهای فلسفی و عقلی دانش مدیریت توجه عمیق صورت می‌گیرد؛ از این رو مبانی هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی، الهیاتی، انسان‌شناختی و ارزش‌شناختی مورد توجه جدی است. مهم‌ترین اثری که در این زمینه تولید شده است کتاب *پیش‌نیازهای مدیریت اسلامی* از علامه مصباح یزدی است. ثانیاً دانش روز و دستاوردهای جدید مدیریت نیز مورد توجه جدی محققان ایرانی قرار دارد. در این زمینه کتاب *درآمدی بر مدیریت اسلامی (مبانی و مسائل)*، می‌تواند نمونه‌ای در این زمینه باشد. ثالثاً از منابع اصیل اسلامی در قرآن کریم و سنت اهل‌بیت علیهم‌السلام نیز بیشترین

استفاده صورت می‌گیرد. در این زمینه کتاب *اصول مدیریت اسلامی و الگوهای آن و مدیریت در قرآن* و کتاب *مدیریت اسلامی بر اساس تفسیر نور*، را می‌توان نام برد. رابعاً در سایه منابع وحیانی، استفاده گسترده‌ای از تحلیل‌های عقلی انجام می‌شود. این ترکیب موجب شده است که دانش مدیریت اسلامی متناسب با فرهنگ بومی رشد کند و قابلیت کاربرد در جامعه اسلامی را داشته باشد. بیشتر کتب نام‌برده شده در اینجا توانسته‌اند علاوه بر استفاده از منابع اصیل اسلامی، از تحلیل‌های عقلی به صورت گسترده بهره ببرند.

بنابراین مشاهده می‌شود که انقلاب اسلامی ایران توانسته است خدمت شایسته‌ای به دانش مدیریت انجام دهد. این تلاش، هرچند در گام‌های ابتدایی خود است، ظرفیت عظیمی را در درون خود برای یک حرکت گسترده و بزرگ دارد. بیشتر پیشرفت‌های فناوری کشور در سال‌های اخیر مدیون حرکت‌هایی است که با اعتماد به آموزه‌های اسلامی صورت گرفته است. امروزه اگر از دفاع مقدس به‌عنوان برگ زرین موفقیت یاد می‌شود، همه می‌دانند که این نبرد نابرابر به برکت مدیریت جهادی به سرانجام رسید؛ چنان‌که موفقیت‌های ارزشمند در فناوری سلول‌های بنیادی، انرژی هسته‌ای، موشک‌های دوربرد، صنایع نظامی، ساخت واکسن کرونا و...، به‌وسیله مدیران ارزشی صورت گرفته است. از این رو تدوین این تجارب عملی براساس مبانی ارزشی اسلام می‌تواند تحولی شگرف در دانش مدیریت برای جهان در پیش رو رقم بزند.

نتیجه‌گیری

امروزه سازمان‌ها اداره جوامع بشری را بر عهده گرفته‌اند. مفهوم سازمان، با مفهوم فرهنگ درهم آمیختگی پیدا کرده است. به عبارت دیگر، هنگامی که تئوری‌های مدیریت و سازمان، متناسب با فرهنگ جوامع طراحی گردد؛ موفقیت سازمان‌ها در اداره جوامع بهبود خواهد یافت. محققان مدیریت در کشورهای مختلف، به‌ویژه در کشورهای اسلامی تلاش کرده‌اند که دانش مدیریت و سازمان را متناسب با فرهنگ جامعه خود شکل داده و رشد دهند. در کشورهای اسلامی شاهد شکل‌گیری دانش مدیریت اسلامی هستیم. تلاش‌های صورت گرفته در این زمینه در سه دسته مورد مطالعه قرار گرفت. دسته اول تلاش‌هایی که در کشورهای مسلمان‌نشین شرق آسیا مانند اندونزی و مالزی صورت گرفته است؛ دسته دوم، تلاش‌هایی که در کشورهای عربی انجام شده است؛ و در دسته سوم، شاهد رشد تصاعدی دانش مدیریت اسلامی در جمهوری اسلامی ایران هستیم. انقلاب اسلامی بستر مناسبی برای تعالی و رشد این دانش را شکل داد به‌گونه‌ای که با بررسی انجام‌شده، نشان دادیم که رشد محصولات علمی تولیدشده در مجامع علمی جمهوری اسلامی از نظر کمی و کیفی، در چهار دهه گذشته به مراتب بیشتر از دو دسته پیشین، است. این تلاش‌ها چه در زمینه علمی و چه در زمینه عملی توانسته است جایگاه مناسبی در جوامع علمی پیدا کند. هرچند راه طولانی در پیش‌رو قرار دارد. امید است این مسیر با ارزشمند با قوت ادامه یافته و به زودی شاهد تبلور دانش مدیریت اسلامی به طور کامل و جامع باشیم.

- ابوالعبین، جمیل جودت، ۲۰۰۲، *اصول الاداره من القرآن والسنة*، عراق، دار و المكتبة الهلال.
- ابوعراد، صالح بن علی، ۱۴۲۳ق، *نظرات فی الاداره من منظور الفكر الاسلامی*، عربستان سعودی، الجامعة ملک خالد.
- ایمان، محمدتقی و احمد کلاته‌ساداتی، ۱۳۹۰، *روش‌شناسی علوم انسانی اسلامی نزد اندیشمندان مسلمان*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- بامخرمه، خدیجه احمدمحمد، ۲۰۱۳، *التخطيط الإداری من المنظور الإسلامی النبوی*، امارات، المكتبة الطارق.
- بوریل، گیبسون و گارت مورگان، ۱۳۸۳، *نظریه‌های کلان جامعه‌شناختی و تجزیه و تحلیل سازمان*، ترجمه محمدتقی نوروزی، تهران و قم، سمت و مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع).
- تاسی، هنری ال، ۱۳۸۸، *تئوری‌های سازمان*، ترجمه علی پارسایان، تهران، ترمه.
- دفت، ریچارد ال، ۱۳۸۷، *عصر جدید مدیریت*، ترجمه طاهره فیضی و محمدعلی سرلک، تهران، گستره.
- رابینز، استیفن، ۱۳۹۰، *تئوری سازمان - ساختار و طرح سازمانی*، ترجمه سیدمهدی الوانی و حسن دانایی‌فرد، تهران، صفار.
- رضاییان، علی، ۱۳۹۲، *مبانی سازمان و مدیریت*، تهران، سمت.
- _____، ۱۳۹۵، *فرهنگ سازمانی*، تهران، سمت.
- سوکاس، هریدیموس و کریستین نودسن، ۱۳۹۵، *نظریه سازمان نگاه‌های فراترظری*، ترجمه سیدحسین کاظمی و حسن دانایی‌فرد، تهران، سمت.
- عبیدات، زهاء‌الدین، ۲۰۰۱، *القيادة والإدارة التربوية فی الإسلام*، عمان، دار البیارق.
- قراشتی، محسن، ۱۳۹۶، *مدیریت اسلامی براساس تفسیر نور*، تهران، درس‌هایی از قرآن.
- کارگروه مبانی مدیریت اسلامی، *نقشه جامع مدیریت اسلامی* (نحما)، ۱۳۹۵، قم، دانشگاه قم.
- کرینتر، رابرت و آنجلو کینیکی، ۱۳۸۴، *مدیریت رفتار سازمانی*، ترجمه علی‌اکبر فرهنگی و حسین صفرزاده، تهران، پیام پویا.
- گریزری، پال، ۱۳۸۹، *نقدی بر دانش مدیریت*، ترجمه محمد صائبی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۹۴، «جایگاه آموزه‌های اسلامی در امور مدیریتی»، *اسلام و پژوهش‌های مدیریتی*، ش ۱۱، ص ۱۳۵.
- مطهری، مرتضی، ۱۳۸۲، *مجموعه آثار*، تهران، صدرا.
- منطقی، محسن، ۱۴۰۰، *درآمدی بر مدیریت اسلامی: مبانی و مسائل*، تهران و قم، دانشگاه امام حسین (ع) و مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع).
- ناصر المعیلی، ناصر عبدالله، ۱۴۲۶ق، *المنظور الإسلامی للإدارة وتطویر الموارد البشرية*، مصر، السراج.
- نقی پورفر، ولی‌الله، ۱۳۷۹، *اصول مدیریت اسلامی و الگوهای آن*، تهران، مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- هچ، ماری جو و ان ال. کاتلیف، ۱۳۹۰، *نظریه سازمان*، ترجمه حسن دانایی‌فرد، تهران، مهربان دانش.
- Abuznaid, S, 2006, "Islam and management: What can be learned?", *Thunderbird International Business Review*, V, 48(1), p. 125-139.
- Branine, Mohamed, 2010, "Human Resource Management with Islamic Management Principles", *Table Of Contents*, V. 39, p. 78-92.
- Clegg and Dunkerly, 1981, "Organization. Class and Control (Book Review) ARMANDI, Barry R. Social Science Quarterly", *Austin Tex.*, V. 62, p. 391-411.
- Ezzati, Abul-Fazl, 1982, *The concept of Leadership in Islam*, London, The Muslim Institute for Research and Planning.
- Maruf Olayemi, Abdul Azeez, 2015, "Shari Compliant Liquid Commodity Marke", *Journal of Emerging Economies and Islamic Research*, V. 11 p. 34-61.

- Mawdudur, Rahman, 1999, "An Islamic Perspective of Organizational Controls and Performance Evaluation", *The American Journal of Islamic Social Sciences*, N. 9, p. 499-514.
- Mellahi, K, 2006, "Human Resource Management in Saudi Arabia", *International Business & Economics Research Journal*, N. 38 (2) p. 45-59.
- Mohiuddin, Golam, 2012, "A Comparative Study on Different Styles of Management", *European Journal of Business and Management*, V. 4, N. 16 p. 78-96.
- Morgan, Gareth, 2006, *Images of organization. sage publications*, New delhi.
- Muhamad Sadeq, Abul Hasan & A. khaliq bin Mohd Israil (eds.), 1996, *Quality management . Islamic perspective*, Kuala lumpur, Leed publications
- Muzaffar, Shaikh, 1988, "Ethics of Decision Making in Islamic and Western Environments", *American Journal of Islamic Social Sciences*, N. 5, p. 114-137.
- Saunders, mark & others, 2010, *Organizational Trust A Cultural Perspective*, Cambridge, University Press.
- Schum, J. L., Jorgensen, R. S., Verhaeghen, P., Sauro, M. & Thibodeau, R., 2003, "Trait anger. anger expression and ambulatory blood pre ssure: A meta analytic review", *Journal of Behavioral Medicine*, N. 26, p. 395-415.
- Shaikh, Muzaffar, 1988, "Ethics of Decision Making in Islamic and Western Environments", *American Journal of Islamic Social Sciences*, N. 5, p. 114-137.
- Tracey, Paul, Nelson, Phillips, and Michael Lounsbury, 2014, "Taking religion seriously in the study of organizations", in Religion and Organization Theory, *Published online*, N. 13, p. 3-21.
- Vickie, Kimbrough, 2003, "Ethics", *jurisprudence. and practice management*, Vickie Kimbrough-Walls.
- Wagner, John A. & John R. Hollenbeck, 2010, *Organizational behavior*, Simultaneously published in the UK.
- Wright, Peter, 1981, "Organizational Behavior in Islamic Firms", *Management International Reviem*, V. 21, N. 2, p. 86-94.
- Zagorsek, Hugo, Marko Jaklic, M., & Stanley J. Stough, 2004, "Comparing Leadership Practices Between the United States, Nigeria, and Slovenia: Does Culture Matter?" *Cross Cultural Management*, N. 11(2), p. 16-34.